

یکشنبه 30 آذر 1399 - 4 جمادی الاول 1442 - 20 دسامبر 2020

سرنگونی سلسله ساسانی با قتل یزدگرد سوم (21 ش)



سرنگونی سلسله ساسانی با قتل یزدگرد سوم (21 ش)، به دنبال شکست یزدگرد سوم آخرین پادشاه سلسله ساسانی از سپاه اسلام در نهاوند، این سلسله پس از 416 سال حکومت، منقرض شد و مسلمانان، ایران را فتح کردند. سپاه اسلام با آن که نفرات و تجهیزات بسیار کمتری از ارتش ایران داشت، اما به خاطر روحیه بالا و ایمان محکم، در نبردهای پیاپی که چند سال طول کشید، ارتش ساسانی را شکست داد که آخرین آنها، جنگ نهاوند بود. با سقوط سلسله ساسانیان، ایرانیان که از ظلم و فساد پادشاهان ناراضی بودند، به خاطر ارزش‌ها و اصول متعالی اسلام همچون یگانگی، پرستی، عدالت و برابری، به این دین گراییدند و به تدریج، خود، در گسترش آن کوشیدند.

۱۳ سال پیمان سه جانبه بین ایران و روم و انگلستان به مجلس شورای ملی (۱۳۲۰ ش)، مهم‌ترین اقدام کابینه محمد علی فروغی پس از روی کار آمدن محمدرضا پهلوی و درگیر و دار جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران، امضای پیمان بین دولت ایران و دولت‌ها؛ اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان بود که متن آن طی ماده واحده‌ای در ۳۰ آذر ۱۳۲۰ تقدیم مجلس شد. در این پیمان احترام به حاکمیت ایران از طرف دولت‌ها، روس و انگلیس، قرارداد تسهیلات لازم در اختیار شوروی و بریتانیا در دوران جنگ از طرف ایران و نگاهداری نیروهای نظامی متفقین در ایرانی تا هر زمان و... عنوان شده بود. این پیمان هر چند به ظاهر ضرری به حال ایران نداشت ولی حضور طولانی مدت این نیروها در ایران و نیز ضربات ناشی از جنگ و تحمیل هزینه‌ها؛ طاقت‌فرسا، بر مردم کشور بسیار گران آمد و فقر و فلاکت بیشتری نصیب مردم محروم نمود. بعد از جنگ، نیروهای شوروی علی‌رغم تعهد جهت خروج فوری، در این کار، بسیار تعطل کردند که پس از شکایت دولت ایران به سازمان‌های بین‌المللی، این نیروها، حاضر به تخلیه ایران شدند.

شب یلدا، طالعانه، شب سال، شب یلدا یا شب چله بلندترین شب سال در نیم کره شمالی زمین است. این شب به زمان بین غروب آفتاب از ۳۰ آذر (آخرین روز پاییز) تا طلوع آفتاب در اول ماه دی (نخستین روز زمستان) اطلاق می‌شود. ایرانیان و بسیاری از دیگر اقوام شب یلدا را جشن می‌گیرند. این شب در نیم کره شمالی با انقلاب زمستانی مصادف است و به همین دلیل از آن زمان به بعد طول روز بیش تر و طول شب کوتاه تر می‌شود. یلدا و جشن‌هایی که در این شب برگزار می‌شود، یک سنت باستانی است. مردم روزگاران دور و گذشته، که کشاورزی، بنیان زندگی آنان را تشکیل می‌داد و در طول سال با سپری شدن فصل‌ها و تضادهای طبیعی خوی داشتند، بر اثر تجربه و گذشت زمان توانستند کارها و فعالیت‌های خود را با گردش خورشید و تغییر فصول و بلندی و کوتاهی روز و شب و حرکت و قرار ستارگان تنظیم کنند.

حجت فقه و محدث، آیت الله شیخ حیدرقلی سردار کابل (۱۳۷۲ ق)، علامه حیدرقلی فرزند سردار نورمحمدخان در ۱۸ محرم ۱۲۹۳ ق در کابل به دنیا آمد. در آغاز کودکی که استعمار انگلستان بر افغانستان چیره شده بود، به همراه پدر که از سرداران ارتش بود به لاهور تبعید شد. حیدرقلی در آن سامان به تحصیل روی آورد و در اندک زمانی پیشرفت کرد. آزار خُگام لاهور، نورمحمد خان را وادار به مهاجرت به عراق کرد و علامه تلاش بی‌وقفه‌ای را در راه کسب علم آغاز کرد. این حکیم وارسته پس از کسب مدارج علمی و رسیدن به درجه‌ای اجتهاد و فتوا، از رجال نامی و استوانه‌های بزرگ حوزه همچون حضرات آیات عظام: سیدحسن صدر، حاج شیخ عباس قمی، سیدیحیی خراسانی و شیخ آقابزرگ تهرانی، مفتخر به دریافت اجازه و نقل روایات گردید. سردار کابل به همراه با فراگیری علوم معقول و منقول، به یادگیری چندین زبان زنده‌ی دنیا همت گماشت و در این امر نیز موفق بود. وی پس از مدتی راهی کرمانشاه در غرب ایران گردید و به نشر احکام دینی و ارشاد مردم همت گماشت. دُرّالنثیر، رساله در معرفت و شرح دعای صبح از جمله تالیفات اوست. سرانجام، حکیم فرزانه، دانشمند برجسته و ستاره‌ی خاور، پس از بیش از نیم قرن تلاش، بررسی و نشر معارف اسلامی در حال راز و نیاز با خداوند و در سر سجاده‌ی نماز، در ۷۹ سالگی در کرمانشاه در گذشت و طبق وصیتش در نجف اشرف به خاک سپرده شد.

پایان جنگ هند و پاکستان بر سر استقلال بنگلادش (۱۹۷۱م) شبه قاره هند از آغاز دهه ۱۹۷۰م، صحنه جنگ‌ها و تنش‌جات سیاسی شدیدی بود. پاکستان از بدو استقلال به علت تقسیم آن به دو بخش شرقی و غربی که در دو سوی شبه قاره هند قرار داشتند وضع نامتعادلی داشت. پاکستان شرقی با جمعیت بیشتر و منابع طبیعی کمتر، بیش از پاکستان غربی از فقر و مشکلات اقتصادی رنج می‌برد و این احساس که رهبران پاکستان، که بیشتر از سکنه پاکستان غربی بودند، چندان توجهی به اوضاع پاکستان شرقی ندارند به احساس نارضایتی در میان مردم پاکستان شرقی دامن می‌زد. از این رو مقدمات استقلال قسمت پاکستان شرقی فراهم شد، اما این امر با مخالفت پاکستان غربی روبرو گردید. با این حال، رهبران پاکستان شرقی اعلام استقلال کردند و کشور جدیدالاستقلال خود را بنگلادش به معنی ملت بنگال، خواندند. اما دولت پاکستان، استقلال

پاکستان شرقی را به رسمیت شناخت و در ماه مارس 1971م، با دخالت نظامی و اعمال قوه قهریه درصدد جلوگیری از تحقق یافتن استقلال این کشور برآمد. دخالت نظامی پاکستان، به مهاجرت میلیون‌ها نفر از اهالی پاکستان شرقی به هند انجامید و دولت هند برای متوقف ساختن سیل مهاجران، از پاکستان خواست که نیروهای نظامی خود را از بنگلادش بیرون ببرد و استقلال این کشور را به رسمیت بشناسد. پاکستان زیر بار نرفت و هند و پاکستان در روز سوم دسامبر سال 1971م وارد جنگ شدند. دومین جنگ هند و پاکستان نیز مانند جنگ اول این دو کشور که در سال 1965م بر سر کشمیر روی داد، به شکست نیروهای پاکستان از ارتش هند، که قوی‌تر و مجهزتر بود، انجامید. نیروهای پاکستان در بخش شرقی پس از ده روز جنگ، دست از مقاومت برداشتند و در نهایت پس از آن که جنگ در 20 دسامبر 1971م به پایان رسید، دولت پاکستان نیز به ناچار استقلال بنگلادش را به رسمیت شناخت.